



تأملی بر ابعاد شهادت بانوان شهید خانواده رهبر انقلاب



یاوران حضرت زینب در نبرد عاشورایی

سرمقاله

کرد، اما هنگامی که زنان و کودکان ایرانی در حملات ارتش تروریستی آمریکا و رژیم صهیونیستی به شهادت می‌رسند، نه تنها واکنشی نشان نداد، بلکه از عاملان این جنایت نیز حمایت سیاسی، رسانه‌ای و نظامی کرد؛ این پرسش‌ها، امروز بیش از هر زمان دیگری در برابر آمریکا و مدعیان غربی حقوق بشر و حقوق زن قرار دارد.

البته این مظلومیت، تنها به خانواده رهبر شهید انقلاب اسلامی محدود نمی‌شود. در میان شهدای جنگ تحمیلی ۴۰ روزه و همچنین جنگ ۱۲ روزه، شمار قابل توجهی از شهدا را زنان و کودکان بی‌گناه تشکیل می‌دهند. جنایت آمریکا در حمله به مدرسه شجره طیبه میناب و شهادت ۱۶۸ دانش آموز و معلم، گواه روشنی بر مظلومیت کودکان ایران و سندی آشکار از کودک‌کشی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌هاست.

چه آن بانوانی که قربانی جنایت شیطان بزرگ و کوچک شدند و چه آنانی که در عرصه‌های مختلف این نبرد، بخصوص با حضور در تجمعات دشمن شکن در میداین و خیابان‌ها، نقش آفرینی می‌کنند، در این نبرد عاشورایی، لبیک‌گویان به حضرت زینب علیها السلام هستند.

به‌ویژه آمریکا، همواره کوشیده‌اند خود را اصلی‌ترین و جدی‌ترین مدافع حقوق زنان در جهان معرفی کنند و این شعار را به یکی از مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای و سیاسی خود تبدیل کرده‌اند. آنان بارها با هم‌پیمانان، کشورهای مستقل از اردوگاه غرب را مورد حمله قرار داده و تلاش کرده‌اند خود را معیار سنجش حقوق زنان در جهان معرفی کنند.

با این حال، جنگ ۴۰ روزه و شهادت خانواده رهبر شهید انقلاب، در کنار دیگر شهدای زن ایرانی، آزمونی واقعی برای این ادعاها بود. شهادت زنان خانواده رهبر شهید انقلاب اسلامی، از جمله یک کودک معصوم چهارده ماهه، به تنهایی برای آنکه بی‌اساس بودن این شعارها آشکار شود، کافی است.

همین یک نمونه، کافی بود تا تشت رسوایی این ادعاها بر زمین بيفتد و افکار عمومی جهان، تناقض میان گفتار و عملکرد مدعیان دفاع از حقوق زنان با چشم خود ببینند. چگونه می‌توان از حقوق زنان سخن گفت، اما در نخستین موج حملات تجاوزکارانه به ایران، زنان و کودکان مظلوم را هدف قرار داد؟ چگونه می‌توان خود را پرچمدار دفاع از زن معرفی

عروس و یک نوه دختر چهارده ماهه، همین واقعیت، به تنهایی تصویری روشن از ماهیت جنگ تحمیلی ۴۰ روزه‌ای که آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران به راه انداختند، پیش روی افکار عمومی جهان قرار می‌دهد. جنگی جنایتکارانه که نه فقط نیروهای نظامی، نه فقط مردان، بلکه زنان، دختران و حتی کودکان ایران عزیزمان را نیز هدف قرار داد.

اگر قرار باشد تنها یک تصویر برای روایت نقش و مظلومیت زنان ایرانی در جنگ تحمیلی ۴۰ روزه و دفاع مقدسی که اکنون نزدیک به ۱۴۰ شبانه روز از آن می‌گذرد انتخاب شود، شاید هیچ تصویری رساتر از همین نباشد. حضور سه بانودر میان پنج شهید بیت رهبر انقلاب، نشان می‌دهد که زنان ایرانی، همانند همه مقاطع حساس تاریخ این سرزمین، تنها نظاره‌گر حوادث نبودند، آنان نیز سهم خود را در دفاع از ایران، استقلال کشور و امنیت ملت ادا کردند.

اما این واقعیت، وجه دیگری نیز دارد؛ وجهی که بیش از هر چیز، ادعاها ی سالیان طولانی آمریکا و کشورهای غربی درباره دفاع از حقوق زنان را به چالش کشیده و آنها را بی‌آبروتر از همیشه می‌کند. دولت‌های غربی،

در همه جنگ‌ها، رهبران کشورها از مردم خود می‌خواهند برای دفاع از وطن هزینه بدهند، اما کمتر اتفاق می‌افتد که پیش از دیگران، خود رهبر یک کشور و خانواده‌اش، این هزینه را بپردازند. جنگ تحمیلی ۴۰ روزه علیه ایران، یکی از همین استثناها را رقم زد. رهبر شهید انقلاب اسلامی، تنها فرمانده و راهبر دفاع از ایران نبودند، بلکه ایشان و خانواده‌شان نیز در صف نخست این دفاع قرار گرفتند. شهادت چهار عضو خانواده قائد شهید امت، در کنار شهادت خود ایشان، گواه روشن این حقیقت است. این اتفاق، نشان داد که دفاع از ایران، پیش از آنکه از مردم مطالبه شود، از خانه رهبر انقلاب آغاز شد. همان‌گونه که هزاران خانواده ایرانی در این جنگ عزیزان خود را تقدیم امنیت و استقلال کشور کردند، خانواده رهبر انقلاب نیز عزیزترین چهره‌های خود را در همین مسیر نثار ایران اسلامی کرد.

در میان شهدای خانواده رهبر شهید انقلاب اسلامی، یک نکته بیش از هر چیز توجهات را به خود جلب می‌کند؛ از چهار عضو شهید این خانواده، سه نفر را بانوان و دختران تشکیل می‌دهند. یک دختر، یک

روایت بدرقه آقای شهید ایران

ایرانی‌ترین رهبر

«هواهنوز تاریک بود. مه‌پاش‌ها روشن بودند و حیاط مصلی رانم خنکی گرفته بود. هر کس پا روی سنگ‌فرش‌ها می‌گذاشت، بی‌اختیار چشمش دنبال تابوت‌ها می‌گشت؛ اما از شب قبل پیکرها را برده بودند و قرار بود هم‌زمان با ورود مردم بیاورند.

میان باران ریزش مه‌پاش‌ها، مردی توجهم را جلب کرد؛ قاب عکس آقا را در دست گرفته بود، چفیه بر سر داشت و تصویر آقا روی تیشرتش نقش بسته بود. محمد کریمی، بعد از هفده سال، از استرالیا آمده بود. گفت: «سال‌ها از ضد نظام‌های دوآتشه بودم، اما هشت سال پیش فهمیدم خیلی از چیزهایی که به آقا نسبت می‌دهند دروغ است. خودم شروع کردم سخنرانی‌هاش رو گوش دادن. همیشه به دوستانم می‌گفتم با کلیپ‌سی‌ثانی‌های اینستاگرام نمی‌شه حق و باطل رو فهمید. همین باعث شد خیلی‌ها ترکم کنن.»

بعد قلاب عکس را محکم تر در آغوش گرفت و گفت: «از همون موقع، سید علی‌برام شد حضرت آقا جان. حتی انتخاب زیلوه‌های حسینیه‌ش هم از ایران دوستی بود؛ می‌خواست صنایع دستی یک روستا رونق بگیره. همیشه روی پیشرفت ایران و فارسی حرف زدن تأکید داشت. رهبر ما ایرانی‌ترین رهبر بود.» گفت پیش از ماجراهای دی‌ماه به ایران برگشته و آگاهانه از وطنش دفاع کرده، اما روز شهادت آقا ایران نبوده است. حالا فقط برای بدرقه آمده و گفت: «بهش قول دادم برگردم؛ این بار برای زندگی. زندگی م‌رو میارم ایران.»

سمیرا چوپنداری

فرزندان بهزیستی در سوگ پدر شهید ایران اشک ماتم ریختند

«به یاد بابا»

«فرزندان عزیز ایران، در سوگ آقای شهید ایران، روز دوشنبه ۲۲ تیر آیین یادبودی را با عنوان «به یاد بابا» در مجتمع خدمات بهزیستی و شیرخوارگاه حضرت آمنه علیها السلام برپا کردند. آیینی برای تجلیل از پدیری که همواره نگران حال اقشار آسیب‌پذیر و ضعیف‌ترین افراد جامعه بود. این مراسم به منظور زنده‌داشتن یاد و خاطره رهبر شهید و با هدف تکریم جایگاه ولی‌فقیه به عنوان سرپرست شرعی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست صورت گرفت.

کودکان به همراه مددکاران خود شمع روشن کرده و در سوگ پدر شهید خود گریستند، قرائت دلنوشته‌های کودکان برای امام شهید و رهبر معظم انقلاب از دیگر بخش‌های این مراسم معنوی بود. در پایان این مراسم درخت سروی به یاد رهبر شهید در محوطه شیرخوارگاه آمنه علیها السلام کاشته شد.



تحلیل

یاغی‌گری علیه نهادهای بین‌المللی

«اظهارات مارکوروپیو، وزیر خارجه آمریکا، درباره «منحل کردن دیوان کیفری بین‌المللی» بازتاب رویکردی است که سال‌هاست در سیاست خارجی آمریکا مشاهده می‌شود. واشنگتن تا زمانی از نهادهای بین‌المللی حمایت می‌کند که تصمیم‌ها و سازوکارهای آن‌ها با منافعش همسوس باشد، اما هرگاه این نهادها عملکردی برخلاف خواست آمریکا داشته باشند، با تهدید، تحریم، فشار مالی یا تلاش برای تضعیف و بی‌اعتبار کردن آن‌ها مواجه می‌شوند. دیوان کیفری بین‌المللی نمونه‌ای روشن از این رفتار است. از زمان آغاز تحقیقات درباره اتهامات مربوط به عملکرد نیروهای آمریکایی در افغانستان و سپس بررسی پرونده‌های مرتبط با جنایات رژیم صهیونیستی، دولت‌های مختلف آمریکا، تحریم مقام‌های دیوان، محدودیت‌های صدور ویزا و فشارهای سیاسی را در دستور کار قرار دادند. اکنون نیز سخن گفتن از انحلال این نهاد، ادامه همان سیاست فشار علیه هر مرجع مستقلی است که حاضر نباشد مطابق خواست واشنگتن عمل کند. این رویکرد، البته، سابقه‌ای طولانی‌تر دارد. آمریکادر سال‌های گذشته از شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شد، از توافق آب‌وهوایی پاریس و توافق هسته‌ای ایران خارج شد، سازمان جهانی بهداشت را به قطع بودجه تهدید کرد و بارها با فالح کردن روند انتصاب قضات، عملکرد نهاد حل اختلاف سازمان تجارت جهانی را مختل ساخت. رفتار آمریکانشان می‌دهد که پایبندی این کشور به نهادهای بین‌المللی، مشروط به تأمین منافع خود است.